

۶۳	نقل سیزدهم افتادن آتش در لشکر سکه بیون از تصرفات پسر دکان محمد علیا در	۵۱	چوبه سوم در اظهار حالات کرامات اولیا و شهدا مشتمله (۲۵) نقل
۶۴	نقل چهاردهم شیخ ابوسعید ابوالخیر تعمیر مریدی بر حکم شان -	۵۱	نقل اول حرکت قبر شهیدی -
۶۵	نقل پانزدهم حمله شدن ز سید سواصلت شوهر شهید -	۵۲	نقل دوم درخت واقع مرز بزرگ
۶۶	نقل شانزدهم مرزا اکیبا و از زمانی الضمیر نواب سعادت علیخان پنا -	۵۲	نقل سوم بر آمدن بزرگ از زیر زمین وقت کندین مکان -
۶۷	نقل هفدهم محب علی شاه در روشن اطلاق بابی شان از گفتگو در درجن خود	۵۳	نقل چهارم تعزیر دروشی و زنده شدن نقل پنجم عارف کاظمی که پیشه زنگرزی داشت
۶۸	نقل هجدهم زاهد نیشاه دروشی و کرامات شان -	۵۴	نقل ششم مستان شاه دروشی و دیدن مردن شان بهشتاقان خود بعد وفات
۶۹	نقل نوزدهم میرزا ابیم طبیب شیرینی یا از حضرت مرتضوی در رویا -	۵۵	نقل هفتم سلمان فارسی و تصرف شان در انتظام دزدان -
۷۰	نقل بیستم لال حسین دروشی و بوسه دادن شان بر آهین گرم -	۵۶	نقل هشتم جرگی بیگ شخصی بود پیش نقل نهم میر عالم علی قدس سره و مستفیض شدن شان بخدمت دروشی -
۷۱	نقل بیست یکم مهربان شدن علی بر امیری بدو امی عثمان خان دروشی -	۵۷	نقل دهم خبر دوی دروشی متونی از طغیانی دریا -
۷۲	نقل بیست دوم حسب مصنف و کرامات خواجه عبید الله احراری و دیگر بزرگواران مصنف -	۶۰	نقل یازدهم خوابیدن دروشی در قبر بیدار شدن -
		۶۱	نقل دوازدهم ملاقات کاتبین مغربی زین مغزده را با شوهرش -

۸۷	نقل سبت سوم شاه عشق علی و عشق والد مصنف از ایشان -	۹۸	نقل هشتم حاضر شدن در ویشی در مجلس دیدار حال مرزا گهسیا -
۸۸	نقل سبت چهارم مسرت شدن شخصی بواسطه از سر جدائی شاه عشق علی	۹۹	نقل نهم شاه علی اکبر در ویشی و اظهار کلمات شان -
۸۹	نقل سبت پنجم زنده شدن پسر زرگر از تصرفات شاه عشق علی و دیگر احوال شان	۱۰۰	نقل دهم حاضر شدن در ویشی در وقت محب علی شاه که کفش با بر سر خود میزد -
۹۰	جوهر چهارم در بیان بعضی احوال در ویشان مشتمل بر (۱۲۰) نقول -	۱۰۱	نقل یازدهم شاه لال حسین ملاقات شان با پادشاه -
۹۱	نقل اول سیدهاشم در ویشی و گفتار با پادشاه -	۱۰۲	نقل دوازدهم مولوی رستم علی استاد دعوات مستانه شان بر خواندن مثنوی حضرت مصنف
۹۲	نقل دهم سیدهاشم و گرفتار شدن زرگر کوفه	۱۰۳	نقل سیزدهم مولوی نور و خرق عادت شان
۹۳	نقل سوم شاه نظام الدین اوزنگ و استفاده شخصی در صحبت شان -	۱۰۴	جوهر پنجم در تعلین احوال سلاطین مشتمل بر (۱۳) نقول -
۹۴	نقل چهارم نانگ در ویشی و پیدا شدن رجولیت در شخصی از وعاشی -	۱۰۵	نقل اول پادشاه و با هم گشت و خور شکر از حکم او -
۹۵	نقل پنجم ملاقات خواجه وزیرقان براد مصنف با در ویشی -	۱۰۶	نقل دوم پادشاه و سخن نمودن قتل نقل سوم پادشاه و عمل طایر نمودن مساجد خان را برکش -
۹۶	نقل ششم سلامت رسیدن کشتی بر ساحل قبل آغاز طوفان بتصرف بزرگی -	۱۰۷	نقل چهارم پادشاه و هلاکت سبائت او
۹۷	نقل هفتم کرامت والد مصنف در پیله کردن بر رویه نقد و طبعش و از ده نوبه بر رویه پادشاه	۱۰۸	نقل پنجم ملاکوخان و متابعت نمودن بر حکم او -

<p>در خون مرد و عابد کشتن احد سے -</p>	<p>۱۰۴ نقل ششم پیر رنگ و وقوع سلم عظیم ازو -</p>
<p>نقل چهارم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۰۵ نقل ہفتم محمد اکبر بادشاہ و دو پیش</p>
<p>سوق عزیز و سدوک و ریشی ان کاشی</p>	<p>بر شد و نیت مقصود با یکہ موزہ -</p>
<p>نقل پنجم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۰۶ نقل ششم شہر شاہین و دو پیش</p>
<p>نقل ہفتم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۰۷ نقل ہفتم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل ہشتم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۰۸ نقل ششم قمر الدین خاں و دو پیش</p>
<p>نقل نهم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۰۹ نقل ششم قمر الدین خاں</p>
<p>نقل دہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۰ نقل ششم قمر الدین خاں</p>
<p>نقل یازدہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۱ نقل یازدہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۲ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سترہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۳ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل اسیب نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۴ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل اسیب نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۵ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۶ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۷ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۸ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۱۹ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۲۰ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>
<p>نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>	<p>۱۲۱ نقل سولہم نواب قمر الدین خان</p>

<p>شاگردش که نخل باور خود کرده نقل سدوم خواب دیدن خلیفه بزرگوار در پس بدین احوال کیست عمر بنو وارثو -</p>	<p>اولاد امیر سے وفلاکت شان - نقل پانچویں محمد شاد و اظہار خوبی بانی خان پراسپ -</p>
<p>نشاہت ہارم انیسویں نے و ملازمش - نقل چیم نواب سادات علیخان بہا و نر شان -</p>	<p>نقل شازدہ ہم بر علی سینا و کت علیش نقل سید ہم بر علی سینا و کت علیش دیوار ہنس -</p>
<p>نقل ششم مرزا امیر خان بہا و رو خدا م شان -</p>	<p>نقل سید ہم امیر ذی شکر و معنی - نقل نوزدہ ہم امیری و سن سلوک شان بادگ -</p>
<p>نقل سہم دراب و اد ملازم بہ نواب خان نقل سہم امیر و دو ملازمی و ملازم رین و نر شان -</p>	<p>نقل سہم امیر زانوہ دیان و ملازمش نقل سہم ایک نواب بہا و دو ملازم نقل سہم دو ملازم بہا و ملازمی مرتنی -</p>
<p>نقل ششم حکیم ابوالفتح و طرز مساجد و داد دستہ شان از ہم دم -</p>	<p>نقل سہم و ہم محمد اکبر شاہ و ہم نادر شاہ و حاضر جوابی بیر بل -</p>
<p>نقل سہم سید شریف علامہ و جواب سوال شان با طالب علمی -</p>	<p>نقل سہم و ہم مذہب مرتضی خان افغان سنی -</p>
<p>نقل دو از ہم تو نگری بانی مقبرہ خود و معارف طریف -</p>	<p>جوہر مفہم در توضیح فرست بعضی اشیاء شنبہ (۱۷) نقول -</p>
<p>نقل سیزدہم قاضی و مروظیفی نقل چار و ہم قاضی و ہزال مقلد صورت</p>	<p>نقل اول مباحثہ عالم جوہری با دہری بعضو مالگیرا رنگ زیب -</p>
<p>نقل چار و ہم قاضی و ہزال مقلد صورت</p>	<p>نقل دو و ہم طالب علمی مقیم کہ در مطرف</p>

<p>۱۳۱ نقل یازدهم محبتی و از او فقیری ۱۳۲ نقل شازدهم شهباده در اسکوه و نزدت شکیب سعادته خان -</p>	<p>۱۳۱ نقل یازدهم محبتی و از او فقیری ۱۳۲ نقل شازدهم شهباده در اسکوه و نزدت شکیب سعادته خان -</p>
<p>۱۳۳ نقل هفدهم نادر شاه و جوانی با دستان پر مسکه -</p>	<p>۱۳۳ نقل هفدهم نادر شاه و جوانی با دستان پر مسکه -</p>
<p>۱۳۴ نقل ووم پیرزالی و فریبش با تاج نقل سوم پیرزالی و فریبش با تاج نقل چهارم دل زسته و اغواش باز خودی مقدور -</p>	<p>۱۳۴ نقل ووم پیرزالی و فریبش با تاج نقل سوم پیرزالی و فریبش با تاج نقل چهارم دل زسته و اغواش باز خودی مقدور -</p>
<p>۱۳۵ نقل پنجم دروغاری مسمی مرزا نقل ششم دروغاری مرزا نقل هفتم ایضا</p>	<p>۱۳۵ نقل پنجم دروغاری مسمی مرزا نقل ششم دروغاری مرزا نقل هفتم ایضا</p>
<p>۱۳۶ نقل هشتم ایضا نقل نهم دروغاری شخصی از دوست مرزا ابراهیم بیگ -</p>	<p>۱۳۶ نقل هشتم ایضا نقل نهم دروغاری شخصی از دوست مرزا ابراهیم بیگ -</p>
<p>۱۳۷ نقل دهم پدر حاجی الف بیگ نقل یازدهم سردار چو انجان کشور دختر -</p>	<p>۱۳۷ نقل دهم پدر حاجی الف بیگ نقل یازدهم سردار چو انجان کشور دختر -</p>
<p>۱۳۸ نقل دوازدهم سردار جبار خان کشور و بقا -</p>	<p>۱۳۸ نقل دوازدهم سردار جبار خان کشور و بقا -</p>
<p>۱۳۹ نقل سیزدهم بوعلینان طبعی مجموعی</p>	<p>۱۳۹ نقل سیزدهم بوعلینان طبعی مجموعی</p>

۱۴۳	نقل چهارم و پنجم میرزا علی و منی کشش با کرانت علی درویش -	۱۴۴	نقل هشتم نایب سوارسی که کیه و تنها رهنبری میکرو -
۱۴۵	نقل پانزدهم غلام جیلانی ساکن قصبه انامو و غدر پیش -	۱۴۸	چهارم یازدهم و بیست و پنجم و پنجاه و دیگر صفحات مردم از هر پیش مستطیر (۲۰) نقل
۱۴۹	نقل شانزدهم گیسوی سلیم و بیاض شیش	۱۴۹	نقل اول دختر سینه و بران رخساری برزن
۱۵۰	نقل بیست و پنجم بهر باغی مهاجرت پیش	۱۵۰	نقل دوم مرزا امام علی عاقل شد مردکس بندو -
۱۵۱	نقل بیست و ششم میرزا علی در تبریز	۱۵۱	نقل سوم شخص نایب سینه عاشق شدت رانی -
۱۵۲	چهارم و پنجم در بیان تمامه بدین نویس بر کس مستطیر ۸۱ -	۱۵۲	نقل چهارم مرد و لایق و بیاموز آرا نویس
۱۵۳	نقل اول شاه کئی درویش و نیر نقل	۱۵۳	نقل پنجم نایب فصیح و نیر خدا اوس
۱۵۴	نقل دوم شخصی عمر که بدو و دیوباب و سوانس با نیر زنده -	۱۵۴	نقل ششم نایب جهان نایب نقل
۱۵۵	نقل سوم مرزا کبیر شاه و جود محبسیان شان -	۱۵۵	نقل هفتم و نقل ششم سر بازار -
۱۵۶	نقل چهارم نواب نجم الدوله و جواد و سوانس با نیر زانی -	۱۵۶	نقل هشتم دو شخص خاص عیونی و معانی شان با یکدیگر -
۱۵۷	نقل پنجم میر تقی شاه و مسافرت شان با میر ضیاء الدین شاعر -	۱۵۷	نقل نهم طبیب حاذق و تعریف شخصش
۱۵۸	نقل ششم بر مرد نو و ساله به پلا کتی -	۱۵۸	نقل دهم مولوی ستم علی سنی و نواب مبتدیان شمیمه -
۱۵۹	نقل هفتم شاه کمال شخصی بیاض نویس	۱۵۸	نقل یازدهم بانکه مرشد آبادی و بانکه شاہ جهان آبادی -

<p>۲۰۷ نقل سوم از اخشن او دیکه سسی ناک</p>	<p>۱۹۹ نقل دوازدهم درویش و بوییده انگشتش افیون را -</p>
<p>۲۰۸ نقل چهارم صفت مانی نقاش -</p>	<p>۱۹۹ نقل سیزدهم درویش و زایل کردنش نشه افیون را از دیدن -</p>
<p>۲۰۹ نقل پنجم درویشی و آو زبراریش مثل بلوکی -</p>	<p>۲۰۰ نقل چهاردهم افیوسه که اراده سفر کرد و بحالت پیک از راه برگشته بشهر خود</p>
<p>۲۱۰ نقل ششم کینرک بازمی قلندری -</p>	<p>۲۰۰ نقل پانزدهم افیوسه و ملازمش و مسافت سرد و بایکدیگر -</p>
<p>۲۱۱ نقل هفتم مباشرت شیخ با سنی دختر چهارده سال برزینش -</p>	<p>۲۰۱ نقل شانزدهم برادرزاده سنی خانم در گشته آمدنش در نشه افیون از راه بلکان</p>
<p>۲۱۲ نقل هشتم عاشق شدن جن بر دختر بندوس و کشتن مانی جن با</p>	<p>۲۰۲ نقل نهم پاره پاره نمودن افیوسه بچوان با خیال مار و پیک -</p>
<p>۲۱۳ نقل دهم فروردین خواصان طبلان زنان را در ویاسی تبیح مثل سنگ -</p>	<p>۲۰۳ نقل یازدهم افیوسه و زنگه بارایش نقل نوزدهم انادون افیوسه و زنگه</p>
<p>۲۱۴ نقل دوازدهم شامتن شکوین اشاره نمب و فارت لشکر از آوان رو باجی -</p>	<p>۲۰۴ نقل ستم بریدن افیوسه بی بی خود بباعث نشستن عس -</p>
<p>۲۱۵ نقل سیزدهم شامتن شکوین اشاره نمب و فارت لشکر از آوان رو باجی -</p>	<p>۲۰۵ جوهر دوازدهم در بیان صفت های مردم مشتمل (۲۵) نقول</p>
<p>۲۱۶ نقل چهاردهم قدر علیثه و دیها</p>	<p>۲۰۵ نقل اول گدا غازی و صوفی بر فلک ۲۰۶ نقل دوم پند دار بانان و مناشای</p>

۲۱۸	نقل چهارم و پنجم تنگوسنگه و انهار زینو	۲۲۹	نقل سبت و چهارم مجور کن نیدن
	حدیث سنی پیش نواب سعادت علیخان		چند کسان مردمان چند را از جمله برنجیست
۲۱۹	نقل پانزدهم رقصیدن درویش	۲۳۰	نقل سبت و پنجم صفت مرزا قیقل
	پیش محمد شاه به شکل زن -		در تحریر رقعات -
۲۲۰	نقل شانزدهم انسانی گوی خواج	۲۳۱	جوهر سیزدهم در ایضاح حالات
	دراوتخان -		کیاگران ششلمبر (۸) نقول
۲۲۰	نقل هفدهم مردی هندوستانی که بنا	۲۳۱	نقل اول یوسف علی حکیم و درویش
	کوی سنجیدین میرشت -		کیاگر -
۲۲۱	نقل هجدهم کیفیت مشاوره موسی	۲۳۲	نقل دوم یوسف علی حکیم و پیر مردی
	موسے شهر -		نقل سوم پیاور بیگ نام شخصی
۲۲۳	نقل نوزدهم بیان خوش نویسی		درویش کیاگر -
	حاجی عمن -	۲۳۳	نقل چهارم شخص کیاگر و مہوسی
۲۲۴	نقل بیستم آغاز شیدا تا خوشنویسان	۲۳۴	نقل پنجم شخص کشمیری و حاصل نمودن
	و کیفیت سربان -		نسخه طلای احمد از شخص حکمت علی -
۲۲۶	نقل سبت و یکم کرامت حاجی	۲۳۳	نقل ششم حاجی ذابج کیاگری -
	و اصل صاحب بزرگی -	۲۳۳	نقل هفتم ملا و در سن حاصل نمودن
۲۲۷	نقل سبت و دوم صنایع بارکین		نسخه کیاگری از کتاب پیر زالی -
	فرا سبیر -	۲۳۵	نقل هشتم میر حیدر علی شخص کیاگر
۲۲۸	نقل سبت و سوم امانت داشتن	۲۳۷	جوهر چهاردهم در بیان خواص
	شخصی مزره هزار وینار نزد مشتاق و		از هر قسم ششلمبر (۱۱) نقول -
	دعا بازت او -	۲۳۷	نقل اول درویش سیاح و گرفتارش

۲۵۳	چهارم یا نهم در بیان عجمت غزالی از هر نوع شکر (۱۰) نقل -	بچه میرونی -	۲۴۸	نقل دوم زبانی اقا غنچه در بیان تاثیر برگ کوزه که از قسم رسپتهاست -
۲۵۴	نقل اول زبانی شیخ احمد در توله بچه عجیب التخلت -	۲۴۹	نقل سوم شیخ ابوسعید ابوالخیر نقش نویسی بوعلی سینا معاصر شان	
۲۵۵	نقل دوم زبانی مرزا معنی در بیان تاثیر زهر مار -	۲۵۰	نقل چهارم زبانی آقا جوهر خواجه در خوبی کار دوسه سنگ -	
۲۵۶	نقل سوم زبانی رجب غلامی در بیان مرگ خود و یازده گریه دیدن -	۲۵۱	نقل پنجم زبانی والده خواجه بخشی در باره میری سنگ پارس -	
۲۵۷	نقل چهارم جمله مادری مصنف و خبر او نشن از فرج گذشته خود و حجره بعد مرگ -	۲۵۲	نقل ششم زبانی والده مصنف در کیفیت عمل حب مرزا عبدالباقی	
۲۵۸	نقل پنجم بیان شدن معلم از شرارت مفلان	۲۵۳	نقل هفتم شیخ محمد علی حزمین و عمل دعای سیفی شان -	
۲۵۹	نقل ششم کونا که سی ساله عمر داشت -	۲۵۴	نقل هشتم فرنگی تجارت پیشه و خوش پا قزوینرگ چای که نزد خود می داشت	
۲۶۰	نقل نهم شخصی که بر دو دست نداشت و تمام کار میکرد -	۲۵۵	نقل نهم زبانی والده مصنف در خبر سنگ سیاهی که پیش مرزا عبدالباقی بود	
۲۶۱	نقل دهم بندی که در ساق پای شاخی چون گاو داشت -	۲۵۶	نقل دهم نواب سعادت علیخان بانی در خوبی گهرل سنگینی که نزد شان بود -	
۲۶۲	نقل یازدهم زبانی مرزا قنیل و در بیان کمال پیوند و شاه -	۲۵۷	نقل یازدهم گرفتن مصنف نسته تاریخی عالی محب از بیاض محمد و طایفه	
۲۶۳	نقل دهم مرزا میث بود حالات تاریخی بیاض و فیروز -			

<p>نقل (۲) مہر علیخان ظریفی و بیان طرافتش با نسیروہ ہای لطف اللہ خان صادق پانی پتی۔</p>	<p>۲۶۸</p>	<p>جوہر شاہ دوم در بیان حوادث آسمانی و زمینی مشتمل بر (۱) نقول۔</p>	<p>۲۶۳</p>
<p>نقل (۳) میر احمد نام ظریفی و بیان طرافتش با شخص اجنبی۔</p>	<p>۲۶۰</p>	<p>نقل اول نزول بلائی آسمانی بر پٹیا کہ نام سحرانی است۔</p>	<p>۲۶۴</p>
<p>نقل (۴) طرافت غلام قادر خان با شخص ضیقہ کہ شیر کلبی از بازار می آورد۔</p>	<p>۲۶۱</p>	<p>نقل دوم زبانی مرزا قیقل مشتمل بر (۱) ماور سطر یا در زمین۔</p>	<p>۲۶۵</p>
<p>نقل (۵) آمدن مروی یحیم و شمیم بر آتشیت معین الملک در حجرہ تنگ۔</p>	<p>۲۶۲</p>	<p>نقل سوم روضہ خوان کوری و بیان نمودنش سبب کوری خود۔</p>	<p>۲۶۶</p>
<p>نقل (۶) طرافت میرزا قیقل با میرزا حسین</p>	<p>۲۶۳</p>	<p>نقل چهارم زبانی حاجی و اسل سنا گزینہ بدون گرگے ہر سہ پسر زنی را</p>	<p>۲۶۷</p>
<p>نقل (۷) طرافت خواجہ خان با پسر زیادہ و مسند و وحدت وجودیہ۔</p>	<p>۲۶۴</p>	<p>نقل پنجم جدا گردیدن دست شنبلی از ضرب شمشیر کہ برای صلح در میان</p>	<p>۲۶۸</p>
<p>نقل (۸) طرافت میر بہادر علی با شخص در حالت خشم۔</p>	<p>۲۶۵</p>	<p>نقل ششم زبانی مرزا قیقل در بیان گور شدن آشناسی شان</p>	<p>۲۶۹</p>
<p>نقل (۹) فریب دادن بہر و بیامبولو</p>	<p>۲۶۶</p>	<p>نقل ہفتم زبانی میر سعد اللہ در شکستن کمر خاتونی از غمگلی زدن شوہرش۔</p>	<p>۲۷۰</p>
<p>نقل (۱۰) زبانی میرزا قیقل و طرافت بر اور نواب مجدد ولہ ہادر</p>	<p>۲۶۷</p>	<p>جوہر مفید ہم در بیان نقل با سہ خندہ آور از بہر حبس مشتمل بر (۱) نقل</p>	<p>۲۷۱</p>
<p>نقل (۱۱) حسین خان شخصہ ذرہ گرفتار در س کتاب بہر الفصاحت از برادر مصنف۔</p>	<p>۲۶۸</p>	<p>نقل (۱۲) زبانی مرزا قیقل در بیان گفتاری شیخ محمد علی حنین و مرزا عظیم و مولوی عبداللہ۔</p>	<p>۲۷۲</p>
<p>نقل (۱۲) کیفیت ہشمارہ ابرو افکار</p>	<p>۲۶۹</p>		<p>۲۷۳</p>

۲۸۰	نقل (۱۳) ظرافت شیخ قاسم باہندو	خولہ دنگی کی جبرامجا اور قدم شریف شدہ	
۲۸۱	نقل (۱۴) ظرافت شخصی باصفا خان	۲۹۳	نقل (۲۳) ظرافت نوازش علی
۲۸۲	نقل (۱۵) ظرافت خدیوہ شکاری	باقایم خان افغان	
۲۸۳	نقل (۱۶) ظرافت شخصی بظہر خان	۲۹۴	نقل (۲۴) گفتگوی ترک قلاشی
۲۸۴	نقل (۱۷) شخصی کجای کاف تازی	باترکان دیگر کہ برای قزاقی میرفتند	
۲۸۵	نقل (۱۸) پیر مرد و نیاوی کہ	۲۹۵	نقل (۲۵) ملزم شدن طریفی از
۲۸۶	نقل (۱۹) زبانی مرزا قلیل در	بختراں بنگارم آب اشامیدن تا کہ خود	
۲۸۷	نقل (۲۰) شخصی فارغ التحصیل	نقل (۲۶) ظرافت مومن بیگ با	
۲۸۸	نقل (۲۱) مکالمہ مرزا قلیل بانو	پیر بخش اشد در عمل اندر بکری	
۲۸۹	نقل (۲۲) عزیز خان	۲۹۶	نقل (۲۷) زبانی میر علی شورش
۲۹۰	نقل (۲۳) عزیز خان	در اظهار نخل کا گوی خود شن	
۲۹۱	نقل (۲۴) عزیز خان	۲۹۷	نقل (۲۸) زبانی مرزا قلیل در بیان
۲۹۲	نقل (۲۵) عزیز خان	گفتگوی عزیز خان رسالہ در عزول	
		از بقار اشد خان افغان کہ بد گوی	
		میرزا کور می نمود	
		۲۹۸	نقل (۲۹) ملاقات شخصی در نزد
		باسودا بیان و بیان یا وہ گوی شان	
		۲۹۹	نقل (۳۰) رفتن مرزا رفیع سواد
		بہ بیت عجیب بیواسی تمام پیش بادشاہ	

۳۰۰	نقل (۳۰۰) فریب بی شیبه بی بال غا	با استاد برآید ان علیک اللعنة -
۳۰۱	نقل (۳۰۱) شخص قوی مقدور و بی حال	نقل (۳۰۵) دو کودک و مضر و بی آهنگ
۳۰۲	نقل (۳۰۲) عشق غلام با دختر او در گلستان و کاشان	از دست استاد برآید منت تقدیر علی
۳۰۳	نقل (۳۰۳) منعل و تقریر خنده او در	نقل (۳۰۶) اسحاق مرد هنر آلی و نهم
۳۰۴	نقل (۳۰۴) شخصی که خرپونه بسیار میخورد	نور و نشانی از بروی سر با زار -
۳۰۵	نقل (۳۰۵) بازخان و شکل پر کردنش	نقل (۳۰۷) کتخدای دو شخص با خواهر یکدیگر
۳۰۶	نقل (۳۰۶) از نقلهای تبرک -	و تقریر ملا با قر مجلسی بعد نکاح -
۳۰۷	نقل (۳۰۷) افتادن آتش در خانه	نقل (۳۰۸) مخفی شاعر و لطیفه او
۳۰۸	نقل (۳۰۸) شخصی و تقریرش با مردمان -	بر خافت خودش -
۳۰۹	نقل (۳۰۹) شاعری که یک مصراع تصنیف	نقل (۳۰۹) ظریفی و تقریرش
۳۱۰	نقل (۳۰۹) قطب الدین علاء و همراز	بازن مریض سوزاک -
۳۱۱	نقل (۳۱۰) شخصی ترسانی که به عیادتش رفته بود	نقل (۵۰۰) خراسانی و گامبندش
۳۱۲	نقل (۳۱۰) قاضی ظریفی و تقریر با	ماجه خرسه را -
۳۱۳	نقل (۳۱۱) شیرازی و قزوینی	نقل (۵۱) داعلی و ظریفی -
۳۱۴	نقل (۳۱۲) منع و شرعانی مفلس که بچ رفته بودند	نقل (۵۲) لواطت نمودن شخصی
۳۱۵	نقل (۳۱۳) درویشی و جواب سماعش	در مسجد و گفتگویش با مردمان -
۳۱۶	نقل (۳۱۴) با بخیله -	نقل (۵۳) تقریر پزطرانف نوا
۳۱۷	نقل (۳۱۴) احوالی و تقریر طبعی با او	الدردی خان بر تبریح عشق مجنون بر فراز
۳۱۸	نقل (۳۱۵) کوکی و جواب سماعش	نقل (۵۴) خواجه و غلامی که سبک
		کار رفت و چند کار کرد -
		نقل (۵۵) مرزا صاحب گفتگویش

۳۱۴	نقل (۶۵) امیر سی و ناجر اسبے	بشخص تازہ واروسے۔	
	درہ پانیدیش خواجہ سزای خوبصورتی	نقل (۵۶) امیر اللہ دل بہادر و جوا	۳۱۱
۳۱۵	نقل (۶۶) بذلمہ سنجی و لطیفہ بیگم	دسوالی فقیر بہینہ آفرینی با ایشان	"
	در حساب و کتاب روز جزا	نقل (۵۷) فقیر ازادی و جواب	"
	نقل (۶۷) عرفا چند پرستندگی	دسوالش با کینز کے۔	"
	شان با خواجہ سزای۔	نقل (۵۸) نواب سحاق خان	"
۳۱۶	نقل (۶۸) زبانی تصنیف و تقریر	و تقریر عرفانت شان بر اکل جمیلی بلاد	
	میر منجم بشخص۔	نقل (۵۹) لاڈ کپور مطرب نظری	۳۱۲
	نقل (۶۹) مغل و گم شدن پیش	و طرافتش با دو زبان خود۔	"
۳۱۷	نقل (۷۰) زبانی میر کاظم علی دریا	نقل (۶۰) نور بائی مطرب و امیر	"
	تک کلام شخصے۔	عزیز الملک و طرافت شان بیکدیگر	"
۳۱۸	نقل (۷۱) زبانی محمد الملک بہادر	نقل (۶۱) زن نوجوانی و بنادش	۳۱۳
	در جواب و سوال پر و سپری حضرت با	فین خود بر ذکر باغباسے۔	"
۳۱۹	نقل (۷۲) منگج شدن خواجہ سزای	نقل (۶۲) مغل و روشی در آفرینش	"
	و نقل پیش شدن برادش و شرف شان	خریطہ زیر سرخ شخصی بالوہ مطرب و دعا	"
	نقل (۷۳) حرکات جوان مشہور	نقل (۶۳) گنڈامی شخص مقتدری و	۳۱۴
	نقل ۷۴ مذکور وقت زادان خواجہ سزای	راضی شدنش بر کابین مقررہ طرف	"
۳۲۰	نقل (۷۴) در کیفیت بے خودی	پر تقریر فریفتے۔	"
	والدہ و ہمیشہ ان جوان مشہور نقل	نقل (۶۴) زبانی میر علی شمش	"
۳۲۱	نقل (۷۵) زبانی تصنیف بر آفرینگر	در غلط خوانی روضہ جوان کور سواد	
	در پیشی بر حالت امیر الدولہ۔	در ایام عاشورہ۔	

۳۲۲	نقل (۷۶) مواجعت محمود آبر	۳۲۲	و میا و له شان بازو جبه خویش -
	با دختر حسینه ملازم خود بفریب عیب	۳۲۳	نقل (۸) قاضی موسی که مهر خود
	نقل (۷۷) شاعری و اعترافش		به عبارت خنده آور کند انید -
	بر شعر نصیر -	۳۲۵	نقل نهم مولوی احمدی که بر تدریس
	نقل (۷۸) رشید می بدیع اند		اطفال مقرر بود -
	بر مسئله وحدت وجود -	۳۲۶	نقل (۱۰) دو سپا بیان جاہل که پدر
۳۲۳	جو هر چه بد هم در بیان نقول		بسر بودند گفتگوی شان بر تحقیق نقطه
	خنده آور ابلهان مشتمل بر ۳۷ نقل	۳۲۷	نقل (۱۱) زبانی مصنف بر حماقت
	نقل (۱۱) زبانی مرزا کاظم اصفهانی		شخصی که احوال شپ فاف زوجه خود بیان
	در بی عقلی راجه که خود مصلوب گردید		می کرد -
۳۲۴	نقل (۲) زبانی برادر مصنف در	۳۲۸	نقل (۱۲) ابلهی و تقریر خنده آمیز
	اخبار ساده لوحی شاگرد طبیب -		بر نوشیدن شربت -
۳۲۵	نقل (۳) شخص تمولی و سه سپرد		نقل (۱۳) ابلهی که تعریف حضرت علی
	زنگه اش که همه با از عقل با بی نصیب بودند		نقل (۱۴) ابلهی و تقریر پیشش
۳۲۶	نقل (۴) عبدالعلی بیگ شخصی که		بجنوب آقا بر نام ابو جلیل -
	شکایت در روز خود می کرد -	۳۲۹	نقل (۱۵) مردن باشه امیری در صند
	نقل (۵) عالم مشرعی که شخصی را		بارش در حفاظت ابلهی و تقریرش بر مرگ او
	نماز بیاموخت و او در نماز می گوزید		نقل (۱۶) ابلهی و تعزیرت او بر مردن
۳۲۷	نقل (۶) مره احمدی که بخوف او		اتامی خود پیش زوجه آقا -
	زود در حق بچه خود مجال سارق گذشت	۳۳۰	نقل (۱۷) محمد خان خواجه سز و تقریر
۳۲۸	نقل (۷) ملا جیون همساز عالمگیر		با گور کتان نواب محمد مراد دین خان -

<p>۳۳۰ نقل (۱۸) اهل بیت و برادرانش قارون</p>	<p>۳۳۰ پسر خود بعد مردنش نزد حبیب</p>
<p>۳۳۱ نقل (۲۷) پسر حبیب که جنون دوری داشت و جواب و سوال با حکیم آفتاب</p>	<p>نقل (۱۹) اهل بیت و انبار شکرش</p>
<p>۳۳۲ نقل (۲۸) قاضی زاد او جاهلی و جواب سراسر طالب علی در علم صرف خود</p>	<p>پدر و زودی خرد خود</p>
<p>۳۳۳ نقل (۲۹) شیخ احمد اهل بیت و تقریر عاقبت آب او</p>	<p>نقل (۲۵) موزن اهل بیت که خود بانگ نماز میگفت و دیده گوش بر او میداشت</p>
<p>نقل (۳۰) کسی احمق که سیرکنان بدریاسی رفتند و کلمات شان</p>	<p>نقل (۳۱) عطار بن عبد الملک اهل بیت که کیدش ببلایان خود پراگنداری با بریه</p>
<p>نقل (۳۱) زبانی مرزا قتل و غیره در عاقبت خواجه سرای و بهبود گویش</p>	<p>نقل (۳۲) اهل بیت و جزع و فرج آن بزرگ فرزندان</p>
<p>نقل (۳۲) خواجه سرای مذکور و بیان منتهی شدنش اندرون سراچه مرغان هنگام طاقات شخصی</p>	<p>نقل (۳۳) اهل بیت در ج نقل ۳۳ بر بیانش بر بودن دو فرج زمان را</p>
<p>نقل (۳۳) زبانی مصنف در عاقبت مرزا احمد بیگ ملازم و اهل مصنف</p>	<p>نقل (۳۴) اهل بیت و تقریرش بر بزرگی خودش بر برادر خود</p>
<p>نقل (۳۴) ایضا</p>	<p>نقل (۳۵) اهل بیت طلبیدنش خال را قبل از مرگ فرزند خود</p>
<p>نقل (۳۵) پسر خان اهل بیت که عالمگیر او را بگ زیب و افکار عاقلش در خیانت اهل بیت شاه ایران</p>	<p>نقل (۳۶) اهل بیت پیش زرعش که برود و او فضل حق از رسیدن گله</p>

<p>پیش‌بینی دسر انجام دادن کارش ^{بهر}</p>		<p>نقل (۳۴۶) ابد مذکور و پیدایش</p>	<p>۳۴۶</p>
<p>نقل (۳۴۷) زبانی والد مصنف در بیان دیدن خواهر زاده و لایق ^{یا} بودن حمام -</p>	<p>۳۴۷</p>	<p>ردغن انگوزه در جامه خود آمدن پیش ^{یا} شاه -</p>	<p>۳۴۸</p>
<p>نقل (۳۴۸) ملاقات شخصی با جنی و رسانیدن شخص مذکور او را از قید ^{یا} بر عایت برادر خواندگی -</p>	<p>۳۴۸</p>	<p>نقل (۳۴۹) ابد مذکور در تشریح انتقال والد ^{یا} مالگیر شاه -</p>	<p>۳۴۹</p>
<p>نقل (۳۴۹) لعل خان بین نوز و سلو جنات با او بد شنیدن صد آواز ^{یا} نقل (۳۵۰) زبانی قلندر خان افغان ^{یا} در کیفیت در دیشک پشته جویر چادر بر پشت خود داشت -</p>	<p>۳۴۹</p>	<p>جوهر نوز و هم در اظهار حالات ^{یا} بن دبری و شیاطین مشتمل (۱۱) نقل ^{یا} نقل (۳۵۱) زبانی والد مصنف در شهادت خواجه محمد شاکر جبره در سی ^{یا} پیر شان حسب خبر و هی پریمان -</p>	<p>۳۵۰</p>
<p>نقل (۳۵۰) شخص تبیه‌تی و عصمت ماندن زرش از کار سازیه ابلیس</p>	<p>۳۵۰</p>	<p>نقل (۳۵۲) زبانی نواب غازی ^{یا} بیاد و خبر دادن زن پری زده از ^{یا} حالات گذشته خان مذکور -</p>	<p>۳۵۱</p>
<p>جوهر بستم در بیان صفات و ^{یا} در اب وحشرات الارض ^{یا} نقل (۳۵۳) حاتم شاه و نمودنش ^{یا} در مس را طلا و نقره بتصرف جنی</p>	<p>۳۵۱</p>	<p>نقل (۳۵۲) زبانی والد مصنف در آمدن دو شخص جن به تلمذ مولی ^{یا} نقل (۳۵۳) حاتم شاه و نمودنش ^{یا} در مس را طلا و نقره بتصرف جنی</p>	<p>۳۵۲</p>
<p>نقل (۳۵۴) زبانی والد مصنف در کیفیت ماران پرگنه ^{یا} نقل (۳۵۵) زبانی میر نصیر ^{یا} در مس را طلا و نقره بتصرف جنی</p>	<p>۳۵۴</p>	<p>نقل (۳۵۴) موصلت مرد سپاهی ^{یا} با پری و تماشای جشن سالگه ^{یا} نقل (۳۵۵) زبانی میر نصیر ^{یا} در مس را طلا و نقره بتصرف جنی</p>	<p>۳۵۳</p>
<p>نقل (۳۵۶) زبانی میر نصیر ^{یا}</p>	<p>۳۵۶</p>	<p>نقل (۳۵۶) زبانی میر نصیر ^{یا}</p>	<p>۳۵۴</p>

<p>۳۸۳ نقل (۱۱) زبانی مؤلف</p>	<p>بیمیت مار یک بر گردن نیل نوشته میدی</p>
<p>۳۸۴ نقل (۱۲) زبان کهن که بچه باسی ما خورد و ... نهار می در گرفت -</p>	<p>۳۸۳ نقل (۱۳) لغزانی مجنون و احوال عجیب و غریب او -</p>
<p>۳۸۵ نقل (۱۴) ^{زبانی} برادر مصنف در گزند رسائی موشهای کور به شخص -</p>	<p>۳۸۴ نقل (۱۴) شخص تیر انداز و جوگی در کشتن ارس -</p>
<p>۳۸۵ نقل (۱۵) زبانی کهن مل دیوان جد امجد مصنف و بر آمدن گرمی از از نامه آیین -</p>	<p>۳۸۵ نقل (۱۵) زبانی عبداللہ خان انخان در محاربه ننگ شیر -</p>
<p>۳۸۶ نقل (۱۶) زبانی جد پدری مصنف در تعریف مقام و طیور آنجا -</p>	<p>۳۸۶ نقل (۱۶) تاجر مسلمانی و سگ پرورده اش که در عقل و فیه مانا باستان بود و قصه عجیبی شدن سگ مزبور از دست مالک خود -</p>
<p>۳۸۷ نقل (۱۷) زبانی جد امجد مصنف در بیان رهنرانی پشه -</p>	<p>۳۸۷ نقل (۱۷) زبانی خواجه سوری در بیان شنیدن گربه نماوت قرآن مجید و هم صایم ماندنش -</p>
<p>۳۸۸ نقل (۱۸) زبانی مصنف در بلعیدن کشوم مارچه را -</p>	<p>۳۸۸ نقل (۱۸) زبانی قاور یار خان در تعریف اسپ سوری شاه توران</p>
<p>۳۸۹ نقل (۱۹) زبانی نواب سجاد علی خان پادشاه در تعریف جفت سگ بونگ -</p>	<p>۳۸۹ نقل (۱۹) در تعریف اسپ علی پادشاه به نواب خان بهادر -</p>
<p>۳۹۰ در تعریف جفت و مرغ شب بونگ در دوک و سند و مسانی -</p>	<p>۳۹۰ نقل (۲۰) همزمان شهر بهریم که بکوت عجیب هنگی را گشتند -</p>

<p>وکیوک - ۳۹۲ در تعریف انبی - و</p>	<p>انقا ری مسنگ مک قفس وکر گدن وگلگون وکر گس و</p>	<p>۳۲۶</p>
--	--	------------

<p>(This section of the page is mostly blank with some faint, illegible markings.)</p>
--

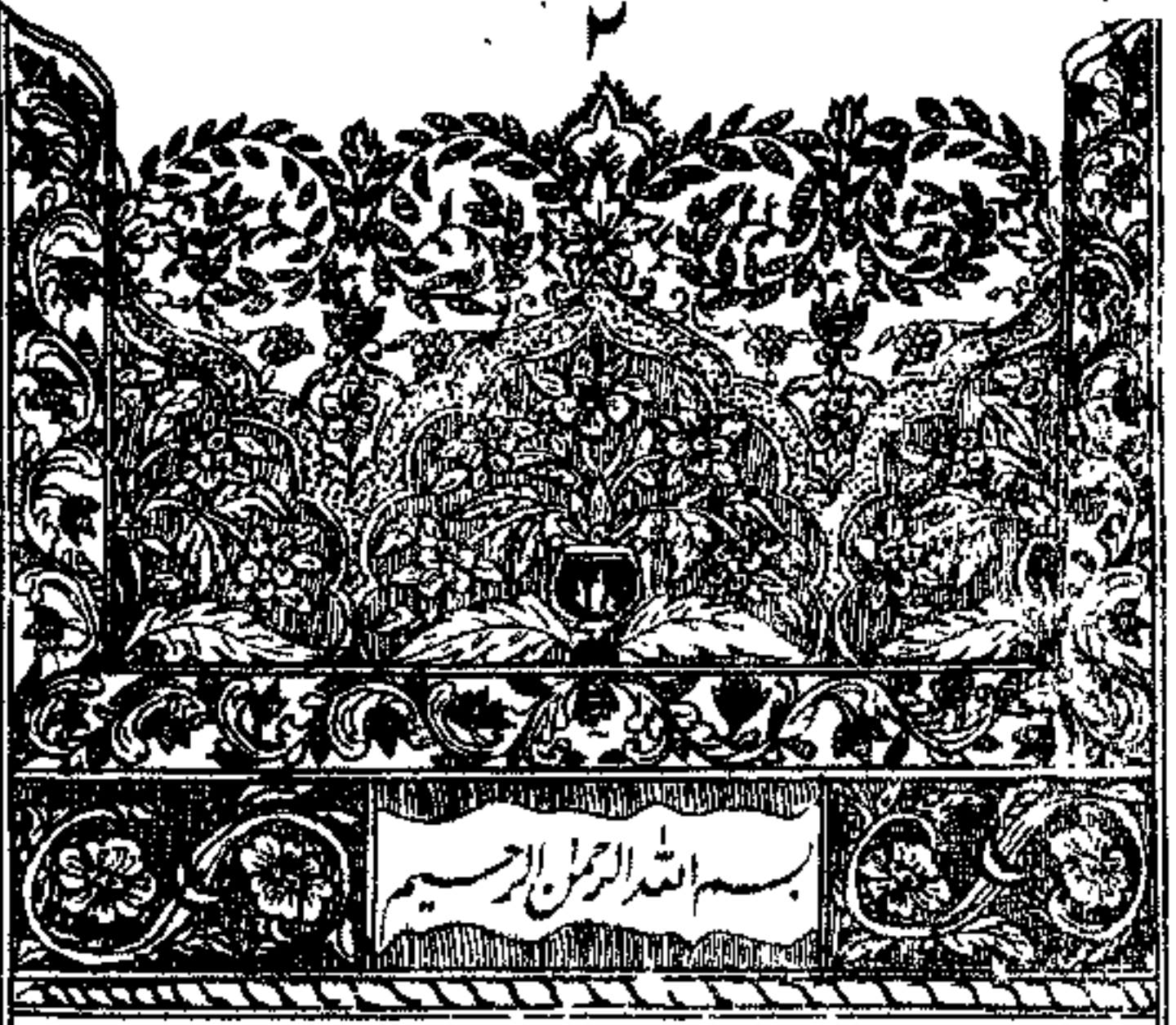
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِأَمْرِ الْوَالِدِ الْأَكْبَرِ دَرِينِ أَيَّامِ مَهْنَتِ اشْرُوزَانِ خَبْتِه سِرِّ خَنْدَانِ كَبْرِيَا كَرِيمِ طَائِرِ السَّمَاءِ

مَعْدِنِ الْجَمَلِ

از تصنیف مخنوری نظیر خواهر میرزا بشیر محمد فیض الدین آذربایجانم محمد علی کریم

حکایت المصعب بن عمیر



سزاوار چه موافقت با بدیع الصنعة است که یو اقیست زنگ از دل سنگ بظهور آورده
 و خری بنوعیت کثیره رسول الاربعة ایست که در صدف ظلمت کده جهان از زمین بسین فروغ از
 لالی مستلانی نور آورده - و ایق بدیع بی شمار آل اطهار او که در رغر میوم صفات حمیده اند
 و قمن بناقب سجد و عدا صحاب اخیار شش که افلاز معادن و باون برگزیده اند
 اما بعد جوهری کم بضاعت جواهر تقریر و تحریر یعنی خواجه امیر کثیر التفسیر احرار می قادی طمس
 بخند بر بصران فلاز نکات عمیده وارد که از مدت مدیدی مکنون خاطر فاتر این کو رسوا و پیمان بود
 که اکثر نقلهای اقسام شقی را که از بزرگان و دیگر اشخاص معتد به بگوش خود شنیده و وارد تکیه
 بچشم خود دیده است با دیگر نقول ظرافت پیوند و در و نما راست مانند کجا جمع نموده کتاشه
 مرتب سازد تا خوانندگان را باعث معلومات و سرمایه علم مجلس موجب فراح متواقره گردد
 اما بسبب عوائق گوناگون مشغولیهای دیگر فرصت تحریر آن دست نمیداد اکنونکه در سینه
 موانع

یلهزار و دو صد و سی و پنج هجری نبوی صلی الله علیه و سلم اتفاق و رواد از سواد اعظم کتب و به بلده
 دل چسپ کاپی بالضرورة افتاد و درینجا بجز بیکاری و خانه نشینی کاری و پیش نبود آن را
 مصدرالذکر از قوه لفظی آوردیم و چون باتمام رسید این کتاب را موسوم بمعدن الجواهر
 نموده شتبرست جوهر ساختم جوهر اول در بیان قدرت و قضا و قدر و بخشایش و حفاظت
 جوهر دوم در بیان احوال پنهان و امیه جوهر سوم و اظهار حالات کرامات اعیان
 جوهر چهارم در بیان بعضی احوال درویشان جوهر پنجم در تعلیم احوال سلاطین جوهر ششم
 در تشریح حالات و صفات وزراء و امر جوهر هفتم در توضیح فراست بعضی اشخاص
 جوهر هشتم در بیان نیک ذاتهای بعض مردمان جوهر نهم در تلویح کذب و
 بد ذاتهای اکثر مردم جوهر دهم در بیان صفات بد و نجات از بون بهر کس -
 جوهر یازدهم در بیان عشق و شجاعت و دیگر صفات مردم از هر جنس -
 جوهر دوازدهم در بیان صنعتها و مردم جوهر سیزدهم در ایضاح حالات
 کیمیاگران جوهر چهاردهم در بیان خواص اشیا از هر قسم جوهر پانزدهم
 در بیان عجایب و غرائب از هر نوع جوهر شانزدهم در بیان حوادث آسمانی و زمینی
 جوهر هفدهم در بیان نقلهای خنده آور از هر جنس جوهر هجدهم در بیان نقل
 خنده آور ابلهان جوهر نوزدهم در بیان حالات جن و پری و شیاطین جوهر بیستم
 در بیان صفات و حالات دواب و حشرات الارض -

جوهر اول در بیان قدرت و قضا و قدر و بخشایش و حفاظت

یاد دارم که در عهد نواب ذوالفقار الدوله بهادر خجف خان در هنگا میکه محمد علی خان
 صاحب صوبه اکبر آباد بود در مقامی که موسوم مبارک منزل است بر لب دریای جمن

بار و خانه خان موصوف بود او و یه باروت را صد ها کس از زن و مرد آسیا میکردند اتفاقاً
 شری از سنگ آسیا بسته در بار و افتاد و تمام بار و خانه را آتش گرفت آن عمارت
 مذکور تمام از بیخ برکنده شده و بالا سے آسمان رفته بعد مه باز بر زمین افتاد که زمین
 تمام شهر به تزلزل درآمد و ایلی شهر را متیقن خاطر گشت که صورت قیامت دمیده شده
 محمد ایلیج خان خودش آمده دید همه مزدوران که در آنجا کار میکردند و در تپه سنگها پیش
 گردیدند خان مذکور حکم کرد که بیداران آمده باشند بار از زیر احمجار بیرون آرند
 تا چهل روز زمین معامله بود که بیداران پیشتر سنگها را می کنند و بعد از شهابه بند و
 و مسلمان را بر آورده و میسوزند و مدفون میکردند که بیک ناگاه از زیر سنگی آوازی
 بحال آهستگی و ضعف برآمد که نمیده سبل بزین بیدار سبل را نگه داشت و چند کس
 از بیداران پیش آمده سنگها را با آهستگی تمام برداشتند چو می بینند که دو سنگ از بالا
 بریز افتاد و اندک بختی که در تپه آن پیرزانی نشسته است و با و صد متر رسیده مگر از گر سنگی و
 تشنگی جاننش پر لب آمده محمد ایلیج خان او را بر آورده کم کم چیز خورا نید آخرد چند روز توانا شد
 نقلست که قضباتی چند مریض قریب به لاکتی را نزد طبیبی آوردند که معالجه این بیمار بکن طبیب
 تشخیص مریض او داده دانست که علاج اینکس ممکن است اما بهر سیدین دو اخیلی شکل
 و کمتر از دو سه سال درست شدن در این درو این رنجور متصور نه مجبور شده گفت
 که این مریض زنده نخواهد ماند همان چند روزه است و از شانش با یوس شده او را
 برداشته بودند چون بیمار هم شنیده بود که در حق من طبیب چنین گفته است دل بر
 مرگ نهاده میرفت که در اثنامی راه تیشکر زاری بنظرش درآمد و دلش بی اختیارانه
 بایل بخوردن نیشکر شد بعضی زان خودش گفت که آخر من زنده نخواهم ماند بوس

خوردن نیشکر بسیار دارم بگذارند تا ازین نیشکر زار سیرنجورم و الاروح من تا ابد تلخکام
 این آرزو خواهد ماند و ریشه اش رعم بحال را و نموده قریب نیشکرستان نشان دادند و او
 بدست خود چند تا نیشکر بخورد و بخورد خوردن آب نیشکر کار آسجیات کرد و آثار صحته در خود
 یافته بجا ضران گفت که حالا من نمی میرم برای خدا ازینجا یک پشته نیشکر گرفته همراه ببرید
 مردم همچنان کردند و بسکن خوردند و مرخص اینهمه نیشکر با در چند روز خورده تندرست شد
 و بعد از حصول قوت رفتار بیمارند کور با همه عزیزانش برای تحمیل طبیب آمد و بقارور و شناس
 سلام کرد و طبیب پرسید که شما با چه کسانید مرخص گفت که من همانم که تو عمو مطلق بیرون من
 داده بودی اینک چاق و صحیح البدن گشتم طبیب متعجب شده گفت که توجه خورده بود
 و باستعمال کدام دوا بر شدی گفت که هیچ دوا می نخوردم همینکه از پیش تو نمید از زندگی
 شده راهی گردیدم نیشکرستانی دیده از آن نیشکری چند خوردم و تندرست شدم ^{طبیب}
 گفت که از جایکه تو نیشکر خورده بودی آن جا را بمن نشان بده و چند کس از تلاذه ^{حیا}
 خود را همراه برده از جایکه بیمارند کور نیشکر خورده بود استفسار نموده زمین را بکنند و چو
 مقدار یک درع زمین کنده شد یک خم پراز روغن ماوه گاو بر آید بکشک خوشحال شده
 بشاگردان و دیگر مردمان گفت که علاج این کس همین بود که خم پراز روغن در زیر زمین
 دفن کرده شود و بر سر آن نیشکر کاشته شود و چون دو سه سال بگذرد و آن نیشکر سخته
 شود و داسی این مرض است من برای همین مرض را جواب صاف داد و بودم که تا به رسیدن
 اینچنین نیشکر زنده خواهد ماند و در کتاب نیز همین معالجه مرقوم بود بهمه کس نشان داد
 نقل منام زنی بود خاومه جدّه پدری را تمیز نیشکری گفت که خواهرم را دختر می بود و ^{ساله}
 لیکن گنگب محض بود که یکطرف درست از زبانش بر می آمد اتفاقاً من خواهرم و آن خسر